



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۰/۲۶

م، نعیم بارز

محترم انجنیر نذیر تنویر، اگر اشک ریزی شما از افراط گرایی اسلامی ویا مریضی افسردگی نیست پس چیست؟

نوشته تحت عنوان (تفریط گرایی یا فرار از مسئولیت) از قلم نذیر تنویر در سایت وزین «آریانا افغانستان آنلاین» از نظرم گذشت و مرا وا داشت تا مختصراً تبصره نسبت به آن ارائه نمایم:

چهل سال زیر نام جنگ و جهاد در افغانستان هزاران انسان زن و مرد و طفل معصوم به صورت فجیع بقتل رسیدند، شهر زیبای کابل و دیگر شهر های کشور به خاک و خون یکسان شدند، صدها زن و دختر بیرحمانه سنگسار شدند و حتی طفل شیر خواری مورد تجاوز قرار گرفت، در برابر اینهمه تراژیدی غمی به دل و اشکی به چشم آقای نذیر تنویر



راه نیافت ولی عجیب است که با قرائت یکی دو قاری بارها اشک روی شان را شسته است. اگر این افراط گرایی مذهبی و یا مریضی افسردگی نیست، پس چیست؟

آقای نذیر تنویر میفرماید «معنی آیات چنان بر من اثر گذاشت که ترس همه وجودم را فرا گرفت» باید گفت ای کاش معنی آن آیات که شما را آنقدر ترسانده و اشک تان را باران آسا جاری ساخته بر دیگران و بخصوص گروه های دینی مذهبی مثل طالبان، حزب اسلامی حکمت یار و داعش نیز اثر می گذاشت تا آنقدر بیرحمانه سال ها مرتکب قتل و جنایت نمیشدند.

آقای تنویر نمیدانم چرا گروه های مذهبی که قبل از شما بهتر مفهوم سوره الاسراء ۳۶ را میدانستند غیر مسئولانه مرتکب اینهمه افراط گرایی و جرم و جنایت شدند؟ آیا به زعم شما اینهمه جرم و جنایتی که از سوی گروه های اسلامی در افغانستان و جا های دیگر صورت گرفته امر مجاز و فرض اسلامی بوده است؟

آقای تنویر می فرماید «چرا تفریط گرایان با فرار از مسئولیت زیر هوای نفس هر آن کسی را که امر به معروف و نهی از منکر می دارند، افراط گرا می دانند» و علل را هم به زعم خود در این می بیند که «در قدم اول سرگرمی های شان موزیک، شطرنج، سریال وگیم است. . . و در قدم بعدی چون خود نمی توانند آنها احساس نمایند. باعث تخریب و منجمد ساختن عقل شان می شود و از قول حضرت علی رض هم می آورد «کسی که زیاد به سرگرمی بپردازد، عقلش کم است»

آقای تنویر شما همه معضل افراط گرایی را در سرگرمی های مثبت که هیچ ضرر و زبانی به کس نمیرساند خلص کرده اید، اما خلاف گفته شما تحقیقات علمی ثابت ساخته است که موسیقی باعث خوشی، آرامش روان نا قرار و فرو نشاندن حس خشونت میشود. در دنیای امروز در محل کار فکری و جسمی موسیقی میگذارند تا ضمن کار، کسی زیاد احساس خستگی نکند. . . و بازی شطرنج نیز غیر از فعال ساختن مغز انسان، عقلانی فکر کردن و منطقی سنجیدن تا کنون کسی از ضرر و زیانش چیزی نگفته و نشنیده است، همینطور بازی گیم از جمله سرگرمی های مثبتی بوده که از سخن چینی و غیبت و تفکرات و خیالات پوچ و موهوم انسان را به دور نگاه میدارد. البته افراط کاری در هیچ موردی خوب نیست حتی زیاده از حد معین نوشیدن آب و سخن گفتن بیش از اندازه.

در مورد یک بعدی برخورد کردن:

آقای تنویر: یک بعدی فکر کردن این نیست که شما گفته اید، بلکه بیشتر از هر چیز یک بعدی فکر و عمل کردن اینست که گروه های به اصطلاح اسلامی، گذشته از تبلیغ علیه پیروان ادیان دیگر به مثابه کفر از جنگ و جهاد علیه فرقه های دیگر اسلامی همانطوری که خود مثال آورده اید «معتزله، منکرین حدیث، فرقه سروشیه، فرقه های رافضی و غیره» همه را به دین گریزی و بی باوری به دین ردیف نموده و حتی هر گروه اسلامی و هر مسلمانی را که در حزب و گروه خود شان قرار نگیرند به حیث مسلمان قبول نمیکند. آنها را محکوم به کفر کرده و از مدرن ترین سلاح ها برای کشتار شان کار میگیرند، چنانکه در طی سی و چهار سال صدها هزار افراد مسلمان افغان را کشتند و دست آورد های میلیون ها مسلمان کشور خود را ویران و نابود کردند و همین حالا هم میلیون ها مردم بیگناه را آواره و سرگردان دشت و دمن نموده اند.

آقای تنویر می فرمایند:

«متأسفانه امروزه و در غربت دین (حتی در بین حزب اسلامی که یک جریان سچه اسلامی می باشد) چه بسا کسانی را که اهل دین هستند و در انجام فرایض دینی خود دقت دارند زیر نام «متحجرین» می کوبند. کمیته هایی را زیر نام «تحرر زدایی» شکل می دهند و مقالاتی را زیر عناوین «متحجر کیست؟» از بلند گو های احزاب اسلامی به نشر می سپارند»

آقای تنویر، این جریان سچه اسلامی که شما از آن سخن گفته اید معلوم نیست با چه معیار ها این «سچه» خود تان را از «جته» دیگران تفکیک نموده اید؟ احتمالاً مقصد تان از اسلام «سچه» حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار بوده باشد که خشونت گرا ترین حزب و از بیرحم ترین آدم کشانی بوده که با قتل سیدال سخندان محصل در پوهنتون کابل و فرار به آغوش کشور دشمن افغانستان یعنی پاکستان فرار کرده که علاوه بر دیگر خونریزی ها و جنایات بیشمار، دستور انفجار قتل عام مردم شاه شهید را نیز صادر نموده است.

آقای تنویر می فرمایند:

از تحریف «افراط گرایی معاندین اسلام زیاد شنیده ایم و ضرورت به تکرارش نمی رود! بیائید سری بزنیم که افراط گرایی در اصل چیست و بعداً سری به حلقه های خود بزنیم و ببینیم که این صفات تا چه حدی در وجود همین آقایون تفریط گرا موجود است»

آقای تنویر، اصطلاح افراط گرایی مثل هر اصطلاح دیگر مفهوم خاص خود را دارد، نمیشود شما آن را در نه جمله ضد و نقیض به دلخواه تان معنا کنید

افراط گرایی که کلمه عربی است در فارسی معنی آن صاف و ساده زیاده روی و از حد گذشتن است که متضاد با تفریط که به معنی کم و کاست میباشد.

خلاصه این نوع تبلیغات و روند صلحی که پس از گذشت سالهای متمادی توأم با جنگ و خونریزی نافرجام، حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار با دولت افغانستان در پیش گرفته و با آنکه همواره گفته هرگاه تا یک نفر عسکر خارجی و امریکایی در افغانستان وجود داشته باشد امکان آتش بس و مذاکره برای رسیدن به صلح نیست. اما اکنون احتمالاً باین نتیجه رسیده است که از ادامه جنگ بقدرت نخواهد رسید. از سوی دیگر می بیند که روز تا روز اعضای حزب وی از او بریده و برای کسب امتیاز بدولت می پیوندند. لذا قبل از هر حدس و گمان دیگر که بگذریم شاید گلبدین حکمتیار بحیث یک شخص زیرک، هوشیار و با تجربه دریافته که از نیرنگ به اصطلاح «اسب تروا» استفاده کند.



خلاصه قصه اسب تروا تقریباً اینطور است که در یونان باستان سال ها شهر تروا توسط یونانی ها محاصره شده بود اما تسخیر نمیشد. با لآخره یونانیان نیرنگی را بکار بردند و یک اسب چوبی بسیار بزرگی را ساختند و تعداد افراد مسلح را در میان آن جا داده و به عنوان تحفه صلح راهی مقر حاکمیت شهر تروا نمودند، زمانیکه این اسب را یک تعداد افراد وارد قصر نمودند قبلاً تعداد زیادی از روسای شهر برای تماشای آن حضور بهم رسانده بودند، آنگاه از زیر شکم اسب افراد مسلح زیاد خارج شدند و چون حاکمیت شهر تروا آمادگی برای جنگ را نداشت در یک برخورد غافل گیرانه برق آسا افراد قصر را به قتل رسانیدند و بدینوسیله یونانیان شهر تروا را به تسخیر خود در آوردند.

آرژومندم چنین برنامه های از سوی حزب اسلامی و دیگران در کار نباشد ولی تجارب گذشته نشان داده است که همه گروه های اسلامی برای رسیدن به قدرت به هیچ اصول و تعهدی ارزش قایل نشده اند، چنانکه حتی در مکه و خانه خدا بین هم سوگند یاد کرده و تعهد صلح بسته اند اما یک روز در میان آنرا نادیده گرفته اند.

آنچه مهم است، اینست که مردم افغانستان دیگر نباید به همچو تبلیغات گوش فرا دهند بلکه در دفاع از قانون اساسی، دموکراسی و حقوق بشر و با دفاع از نیروهای امنیتی اجازه ندهند که زیر نام صلح و غیره با دست کاری در قانون اساسی زمینه دیکتاتوری در کشور فراهم گردد.

پایان